

نبرد تفسیر

یادداشت آقای دکتر عبدالله گنجی در روزنامه جوان مورخ ۹۴/۰۱/۱۵

بالاخره پس از چند ماه خوف و رجا و بیم و امید به مکتوب دیگری بعد از توافق اولیه ژنو رسیدیم که ظاهراً هنوز پایان راه نیست. به صورت طبیعی طرفین مذاکره خود را راضی و برنده این مذاکرات پیچیده و طولانی می‌دانند و این وضعیت برای تحلیلگران و خصوصاً اصحاب رسانه قابل درک است اما سردرگمی‌های امریکایی‌ها ملموس‌تر از تیم ایرانی است، به صورتی که چینش سخنان آنان در کنار همدیگر این تعارضات و سردرگمی را روشن می‌سازد. رئیس‌جمهور امریکا در یک‌ونیم سال گذشته بیش از ۱۰ بار اعلام نمود «تحریم‌ها ایران را پای میز مذاکره کشاند» اما در مصاحبه دو روز پیش خود با صراحت می‌گوید ما سه گزینه بیشتر مدنظر نداشتیم.

۱- ادامه تحریم‌ها، رئیس‌جمهور امریکا با صراحت می‌گوید روند سال‌های گذشته نشان داد که تحریم تأثیر ملموسی نداشته است و این اعتراف برخلاف ادعای ده‌باره وی می‌باشد. ۲- وی گزینه دوم را بمباران مراکز هسته‌ای ایران می‌داند و با صراحت می‌گوید فقط برای کوتاه‌مدت می‌تواند مؤثر باشد زیرا دانش هسته‌ای قابل از بین رفتن نیست. ۳- توافق فعلی که بهترین گزینه بود. امریکا با صراحت اعلام می‌کند که بمباران و تحریم بی‌تأثیر بوده است. بنابراین آنان نیز چاره‌ای غیر از مذاکره نداشته‌اند اما به‌رغم تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر «عدم تفسیربرداری توافق»، تفسیرهای متفاوت تنها چند دقیقه بعد از توافق شروع شد. حجم این تفسیرها به صورتی است که نام آن را نیز در برمی‌گیرد. آیا آنچه که انجام شد «توافق»، «تفاهم»، «بیانیه مطبوعاتی» یا «توافق جامع» است؟ وقتی «نام» آنچه انجام شده از نظر حقوقی سیال است چگونه نباید توقع داشت که محتوای آن قابل تفسیر نباشد؟ البته تفسیر الزاماً به معنی دروغ گفتن نیست؟ چرا که می‌تواند بر سر «معنادهی» به آنچه انجام می‌شود، باشد. به طور مثال تیم ایرانی راهبرد درونی «آرام‌ساز» خود را این قرار داد که بارها در دو روز گذشته اعلام نماید «هیچ مرکز هسته‌ای در ایران تعطیل نمی‌شود» اما واقعاً اینگونه است؟ آنان درست می‌گویند. اما آنچه قرار است در فردو انجام شود نمی‌تواند در جای دیگری انجام شود؟ فردو تعطیل نمی‌شود اما مثل آن مثل اتوبوسی است که اجازه حرکت به آن داده می‌شود اما حق ندارد بیشتر از یک مسافر حمل نماید.

شاید مهم‌تر از آنچه تفاهم است اینکه آینده یک کشور مستقل و پسانقلابی در نبرد تفسیرها چگونه خواهد بود؟ گیریم که پذیرفته‌ایم نطنز، فردو و اراک چگونه باشد. اما اینکه دهها سال و به قول کری تا «ابد» ما به NPT سپرده نشویم تفسیر و توافق خطرناکی است که استقلال سیاسی و تحقیر ملی ایرانیان را نشانه رفته است. حضور پرچم امریکایی‌ها در رسانه، بلافاصله پس از توافق اولیه (رئیس‌جمهور، وزیر خارجه، بیانیه کاخ سفید و...) و دعوت رئیس‌جمهور امریکا از رهبران عربی برای حضور در کمپ دیوید و... نشان می‌دهد که آنان به دنبال قانع کردن حامیان منطقه‌ای و مردم امریکا نسبت به یک «پیروزی تلخ» هستند. اما در ایران اوضاع طور دیگری

به مردم امریکا القا نشده است که مذاکرات هسته‌ای باعث گشایش در زندگی شما خواهد شد اما این وعده توسط دولت، رسانه‌های غرب و رسانه‌های همسو با دولت به مردم ایران داده شده است. دولت با دو گزینه بیشتر مواجه نیست یا باید رسماً توافق را اعلام کند و خود را پیروز مذاکره بداند که با این اعلام، ملت منتظر گشایش هستند و یا باید بگوید توفیقی حاصل نشد که نتیجه آن افزایش ظرفیت شناختی ملت نسبت به روحیه استکباری غرب است اما دستاورد دولت محسوب نمی‌شود. تفسیرهایی که اکنون

دولت از توافق هسته‌ای ارائه می‌دهد نه تنها باری را از دوش دولت بر نمی‌دارد که بار آن با انتظارات پس از توافق دوچندان خواهد شد. مردم پیروزی را در گشایش می‌بینند نه در بیانیه. از سوی دیگر تفسیرهای پیروزمندانه نمی‌تواند دوسویه باشد. شاید بتوان گفت نتیجه برای طرفین «معقول» بوده است اما نمی‌توان تفسیر پیروزمندانه دوطرفه از آن ارائه کرد.

اما اگر از منظر حاکمیت قانون جنگل بر جهان به تفسیر پردازیم قطعاً ما پیروز هستیم اما اگر از منظر «مصلحت نظام» آن را با تساهل تفسیر کنیم، قدری از داشته‌ها و سرمایه‌های درونی و بیرونی انقلاب اسلامی غفلت کرده‌ایم. آنچه در تفسیر فنی مسئله برای توده ملت مهم است اینکه با وضعیت هسته‌ای دیروز قرار بود به کجا برویم که با وضع موجود باز همین راه را می‌رویم؟ این تساهل و تعدیل اگر هیچ ضرری را متوجه کشور نمی‌کند، سؤال جدی دیگری را به ذهن متبادر می‌کند و آن اینکه مذاکره برای چه بود؟ اما در تفسیر داخلی آنچه مهم است اینکه همه تلخی‌ها و امیدهای توافق اخیر باید به گونه‌ای تفسیر شود که ایستادگی وحدت یافته و همدلی ملی برای ایستادن مقابل دشمنی‌های دشمن کمرنگ نشود. مسئولان امریکایی در دو روز گذشته با صراحت اعلام می‌کنند که تحریم‌ها به خاطر موشک‌های بالستیک و حقوق بشر و تروریسم همچنان باقی است.

لذا ممکن است بخشی از تحریم‌های امریکا توسط کنگره از پرونده هسته‌ای منتزع و به پرونده‌های دیگر اضافه شود که حاصل جمع، حفظ وضع موجود خواهد بود. بنابراین تفسیرهای امریکایی‌ها نشان می‌دهد که آنان با دشمن مذاکره کرده‌اند. ما نیز نباید این گزینه‌ها را فراموش کنیم که نبرد با دشمنانی که وجود انقلاب اسلامی را در افق حملات پیچیده خود دارند پایان نیافته است. ادبیات مسئولان کشور نیز باید به صورتی باشد که ادامه مبارزه کند نشده است.

خداوند بر درجات امام راحل بیفزاید که هوشمندانه فرمود: «ما چه خواهیم و چه نخواهیم استکبار و صهیونیست‌ها در تعقیبمان خواهند بود تا شرافت و حیثیت مکتبی‌مان را لکه‌دار کنند». بنابراین چه توافق بشود و چه نشود و چه در پرونده هسته‌ای پیروز شویم و چه بازنده، بازی «وجود» و «عدم وجود» پایان نیافته است.

دولت باید ملت را در این تراز رهنمون شود که پس از سنگر هسته‌ای، آماده مبارزه در سنگرهای دیگر است چرا که «حدیقف» برای دشمن وجود ندارد.